

بررسی روان شناسانه تأثیر دین و هیات‌های مذهبی در سبک زندگی جامعه اسلامی

اردشیر ویسکرمی،^۱ سیدحسن میرزائی^۲

چکیده

ما در مورد سبک زندگی درآموزه‌های دینی خود از جمله در مراسم دینی و هیات‌های مذهبی مطالب بسیاری داریم و به هیچ وجه آموزه‌های دینی ما بیگانه از سبک زندگی ما در سطح اجتماعی نیستند و هیچ موضوعی در زندگی وجود ندارد که در دین ما نکته و آموزه‌ای در مورد آن نداشته باشیم. بنابراین باید مراقب باشیم بحث سبک زندگی توسط دیگران صادره نشود. سبک زندگی، از اصطلاحات نسبتاً جدید علمی است که با رویکردهای گوناگونی تعریف شده است. به نظر می‌رسد، بهترین و جامع‌ترین آنها، رویکرد دین‌شناسانه است. بر اساس این رویکرد سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته است که متأثر از باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و شرایط اجتماعی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند و نقش مراسمات دینی و هیات‌های مذهبی به طور واضح در زندگی اجتماعی او متبلور می‌شود. ما معتقدیم رابطه‌ای عمیق میان انجام مراسمات دینی و شرکت در هیات‌های مذهبی و سبک زندگی اجتماعی وجود دارد.

سبک زندگی نشان‌دهنده میزان و کیفیت باورها و ارزش‌های ما است، و همچنین شرایط محیطی و سبک زندگی مردم بر شکل و محتوای دین‌ورزی و مراسمات دینی آنها تأثیر گذار است. یعنی تأثیر و تأثر متقابل بین سبک زندگی اجتماعی و مراسم دینی و هیات‌ها برقرار است و ما در این مقاله با بررسی روان‌شناسانه تأثیر دین و کسانی که در هیات‌های مذهبی شرکت می‌کنند را بر سبک زندگی آنها بررسی کرده و تأثیر آن را به طور یقین می‌توان در سطح روابط اجتماعی آنها مشاهده می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: بررسی روان‌شناسانه، سبک زندگی، جامعه اسلامی، مراسم دینی، هیات‌های مذهبی

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد d.veiskarami@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

ادیان توحیدی و آسمانی دارای سه اصل کلی مشترک می‌باشند: اعتقاد به خدای یگانه، اعتقاد به زندگی ابدی برای هر فرد از انسان در عالم آخرت و دریافت پاداش و کیفر اعمالی که در این جهان انجام داده است، و اعتقاد به بعثت پیامبران از طرف خدای متعال برای هدایت بشر بسوی کمال‌نهایی و سعادت دنیا و آخرت. نقش آفرینی و بازیگری نهادهای دینی نقش مهمی در شکل دهی و تقویت قواعد، رفتارهای دینی خاصی برای افراد در مناسبات اجتماعی ترسیم نموده و رفتار مذهبی گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کند، از جمله نهادهای مذهبی که می‌توان در کنار سایر نهادها مثل مسجد، روحانیت و تکایا به آن اشاره نمود کارکرد نهاد هیات‌های مذهبی است که در طول تاریخ روابط بین الملل و در شکل دهی به ساختارهای سبک زندگی جامعه اسلامی تاثیرات بسزایی داشته است، در چندین سال اخیر پیرو سبک زندگی همایش‌هایی برگزار گردیده که هنوز جای واکاوی دارد ماسعی کرده‌ایم از این مقالات و تحقیقات برای فهم بیشتر این مطلب استفاده کنیم سپس به تاثیر هیاتها و مراسم‌های دینی در سبک زندگی اجتماعی بپردازیم. سبک زندگی به ما کمک می‌کند تا آنچه را مردم انجام می‌دهند، دلیل انجام دادنش، و معنی عمل‌شان برای خودشان و دیگران را درک کنیم. مراسم دینی و هیاتها نقش مهمی در سبک‌زندگی اجتماعی ایفا می‌کنند. درباره نقش هیات در سبک‌زندگی می‌توان گفت کوچک‌ترین نقش هیات در خط دهی به رفتار ما، در همان کاسه قند و سینی چایی نهفته است. کسی که خم می‌شود تا چایی تعارف کند باید به یک اندازه در برابر حاجی بازاری مشهور و کارگر ساده‌ای که هر دوتایشان علم عزا را دیده و از زیر بیرق گذشته و در هیات نشسته‌اند، خم شود. معمولاً بچه‌ها هستند که در هیات پشت سر کسی که چایی می‌دهد کاسه قند را می‌گردانند؛ همان بچه یاد می‌گیرد که در هیات همه یک نفرند و یک احترام دارند. این یعنی سبک زندگی هیات، هیات‌های قدیمی و معروف معمولاً سیار بوده و هستند. نقل یک سینی کیک یزدی و یک بسته چای نیست، هیاتی‌ها یاد گرفته‌اند که برگزاری یک جلسه هیات در منزل، بیمه می‌کند اهل خانه را؛ برکت می‌آورد به خانه. کسی که در خانه‌اش هیات و روضه می‌گیرد، دیگر هر کاری نمی‌کند. کسی که پول خود را پای خرجی هیات می‌ریزد، یاد می‌گیرد که این پول باید حلال باشد تا مستحق نصیب شدن به سفره ارباب گردد؛ می‌داند که هر پولی را ارباب قبول نمی‌کند و قطعاً هر پولی به سفره هیات نمی‌رسد این اعمال بیانگر این است که آن باورها و ارزش‌ها تا چه میزان در جان ما رسوخ کرده‌اند؛ به هر میزانی که در جان ما نهادینه شده باشند، به همان میزان خود را در شیوه زندگی ما نشان می‌دهند. پس ما نمی‌توانیم منکر نقش مراسم دینی و هیاتهای مذهبی در سبک زندگی و در سطح اجتماعی شویم زیرا مراسم مذهبی در زندگی

فردی و اجتماعی ما نهادینه شده است و الگوی رفتاری ما تا حدودی بر این اساس شکل گرفته است. مسئله اصلی این نوشتار، این است که آیا مراسم دینی و هیأت‌های مذهبی در سبک زندگی اجتماعی ما نقشی ایفا می‌کنند؟ اما پیش از ورود به اصل بحث، لازم است ابتدا تعریفی از سبک زندگی داشته باشیم سپس اشاره‌ای به تاریخچه و شکل‌گیری هیأت‌های مذهبی در ایران بیفکنیم.

«سبک زندگی» اصطلاحی است که در قرون اخیر مطرح گردیده است. در اینکه نخستین بار این اصطلاح از سوی چه کسی به کار رفته است، در میان روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اختلاف است؛ برخی جامعه‌شناسان مدعی‌اند از اصطلاحات و ابداعی ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)، جامعه‌شناس فرانسوی است (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶). در مقابل، برخی روان‌شناسان جعل و ابداع این اصطلاح را به *آلفرد آدلر* (۱۸۷۰-۱۹۳۷)، اتریشی و بنیانگذار رویکرد روان‌شناسی فردی نسبت می‌دهند (کاویانی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). هرچند به‌طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد که این اصطلاح نخستین بار توسط چه کسی ابداع شده است، اما به نظر می‌رسد نخستین بار توسط *آلفرد آدلر* به عنوان یک بحث مستقل و جدی مورد توجه قرار گرفت. پس از ایشان، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های گوناگون قرار گرفت. به گونه‌ای که هم‌اکنون برای تحلیل، پیش‌بینی، کنترل و یا هدایت بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

معنای کلمه سبک زندگی روشن است و نیازی به توضیح ندارد. اما معنای اصطلاحی آن مورد بحث‌های متعددی قرار گرفته است. رویکردهای مختلفی در تفسیر و تبیین این اصطلاح وجود دارد. در یک دسته‌بندی کلی، از سه رویکرد کلان می‌توان نام برد: رویکرد جامعه‌شناسانه، بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های گئورگ زیمل (۱۸۵۸-۱۹۱۸) و ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) است؛ رویکرد روان‌شناسانه، که متأثر از آراء و اندیشه‌های *آلفرد آدلر* (۱۸۷۰-۱۹۳۷) است و رویکرد دین‌شناسانه (انجام مراسم دینی)، که رویکرد موردبررسی ما است. هریک از این رویکردها، تعریفی خاص از سبک زندگی را شکل می‌دهند. تعاریفی که بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی ارائه می‌شوند، بیشتر نگاه توصیفی دارند. رکن اصلی تعاریف جامعه‌شناختی، توجه به رفتار و نمودهای رفتاری است. این اصطلاح در نگاه جامعه‌شناسانه نقشی همچون اصطلاح «طبقه اجتماعی» یا «هویت اجتماعی» ایفا می‌کند و اساساً در ابتدا، به عنوان جایگزینی برای اصطلاح مارکسیستی «طبقه» مورد استفاده قرار گرفت. اما در تعاریف روان‌شناختی به ارزش‌ها، هنجارها و منشأ رفتارها توجه ویژه‌تری می‌شود. این اصطلاح در تعاریف روان‌شناسانه جایگاهی همچون اصطلاح «شخصیت» و «منش» دارد (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۶۵-۸۰ و مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۱۸۱).

براساس رویکرد دین‌شناسانه می‌توان سبک زندگی را به این صورت تعریف کرد: مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند.

دقت و تأمل در مؤلفه‌های گوناگون این تعریف، ابعاد مهمی از سبک زندگی را برای ما نشان می‌دهد و وجه تمایز این تعریف با تعاریف جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه و همچنین ارتباط آن را با اموری همچون دین، باورها، اخلاق، نگرش‌ها و امثال آن را روشن می‌کند. علاوه بر این، نقش نمادین و نمایشی بودن «سبک زندگی» را نیز در مقایسه با مطلق «رفتار» نشان خواهد داد. در اینجا به اهم الزامات و لوازم این تعریف اشاره می‌کنیم.

سبک زندگی محصول و معلول باورها و ارزش‌هاست. نوع نگاه انسان به جهان، خدا، انسان و حیات پس از مرگ و نوع ارزش‌های پذیرفته‌شده او، تأثیری مستقیم بر انتخاب‌ها و گزینش‌های او دارند. به همین دلیل، در نخستین نگاه و به‌روشنی می‌توان دو نوع کلی سبک زندگی را از یکدیگر متمایز ساخت: سبک‌های زندگی مؤمنانه و سبک‌های زندگی غیرمؤمنانه. این نوع از سبک زندگی اجتماعی مومنانه مورد نظر ماست.

عوامل درونی از جمله امیال، غرایز و خواسته‌های فردی و محیط بیرونی از جمله وضعیت جغرافیایی و فضای اجتماعی در سبک زندگی تأثیر دارند. سبک زندگی جایی است که سلايق، غرایز و خواسته‌های فردی می‌توانند نقش‌آفرینی باشند. همان‌گونه که وضعیت جغرافیایی، فضای اجتماعی و محیطی خواه ناخواه سایه خود را بر انتخاب‌ها و گزینش‌های انسان می‌افکنند. بر این اساس، باید توجه داشت آن‌گاه که سخن از تأثیرپذیری سبک زندگی از باورها و ارزش‌های دینی به میان می‌آید، نباید چنین پنداشت که امیال و خواسته‌های فردی در این نوع سبک زندگی هیچ جایگاهی ندارند و یا نباید داشته باشند. اصولاً دین الهی و اصیل نمی‌خواهد غرایز و امیال فردی را سرکوب کرده و نابود سازد، بلکه می‌خواهد آنها را جهت‌دهی کرده و در مسیر درست و سعادت‌بخش هدایت نماید. همان‌طور که هرگز نباید تأثیر محیط اجتماعی، وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی را در گزینش انواع خاصی از سبک زندگی نادیده گرفت. تأثیر جامعه و محیط بر گزینش‌ها و انتخاب‌های افراد تا آنجاست که حتی بعضی از جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی را به این توهم انداخته است که از جبر اجتماعی (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۱۱۵) و جبر محیطی و تربیتی سخن به میان آورند. جامعه بر سبک زندگی اجتماعی ناثیرگذار است و هیاتهای مذهبی که قسمتی از جامعه را تشکیل می‌دهند می‌توانند با یرگذاری مراسمات دینی بر سبک زندگی اجتماعی افراد آن جامعه تأثیر گذار باشند.

سبک زندگی ناظر به رفتارها و نمودهای ظاهری و بیرونی هویت انسانی است؛ به این معنا که خود باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های افراد را جزء سبک زندگی نمی‌دانیم، بلکه آنها بنیان‌های شکل‌دهی به نوع خاصی از سبک زندگی هستند. به عبارت دیگر، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها همگی در شکل‌دهی به هویت

انسانی نقش‌آفرین هستند. سبک زندگی به آن بخش از هویت انسانی اطلاق می‌شود که جنبه «بیانگرانه» دارد. جنبه‌های نادیدنی هویت انسانی را در قالب رفتارها، انتخاب‌ها و اشیا برای دیگران دیدنی می‌کند. بر این اساس، این نظریه را درست نمی‌دانیم که سبک زندگی را افزون بر رفتارهای بیرونی، شامل ادراک‌ها، باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، تمایلات، ترجیحات و همه امور ذهنی و درونی نیز می‌داند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۳-۷۴).

گستره سبک زندگی، به وسعت همه رفتارهای نهادینه‌شده فردی و اجتماعی انسان است. از آرایش مو و آراستگی ظاهری گرفته تا انتخاب رنگ لباس و مدل کفش و چیدمان اسباب و اثاثیه منزل، تا نوع موسیقی و علاقه‌های هنری، شغلی و نحوه گذران اوقات فراغت و معماری و شهرسازی و امثال آن؛ رفتارهای موقتی یا موردی یک فرد یا گروه را نمی‌توان سبک زندگی آنان تلقی کرد. به عنوان مثال، اگر کسی یک بار کراوات بزند، هرچند بر اساس آموزه‌های اسلامی ممکن است کار درستی نکرده باشد، اما نمی‌توان گفت این نوع پوشش، سبک زندگی او شده است، بلکه رفتارهایی را می‌توان به عنوان سبک زندگی در نظر گرفت که وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده باشند، به گونه‌ای که همچون ملکات نفسانی در اخلاق، تقریباً بدون تأمل از فرد یا جامعه‌ای خاص صادر شوند. (شریفی، احمدحسین (تابستان ۱۳۹۱) ص ۶-۴۹)

سبک زندگی به تدریج حاصل می‌شود و به تدریج هم زایل می‌شود. نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد زمان‌بر است، صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد. به عنوان مثال، پیدایش سبک معماری اسلامی بلافاصله پس از بیان تعالیم اسلام در مورد اهمیت مسجد، نماز جماعت، تکریم مهمان، همسایه‌داری، اخلاق اجتماعی و شهروندی نبود، بلکه این تعالیم و آموزه‌ها به تدریج سبک خاصی از معماری را در جهان اسلام پدید آوردند و یا زایل شدن سبک زندگی برده‌داری، امری زمان‌بر بود. نگاهی اجمالی به تعالیم اسلامی و معارف قرآنی این حقیقت را نشان می‌دهد که هیچ‌یک از اولیای الهی، برده‌داری را امری پسندیده نمی‌دانستند، بلکه در تلاش بودند تا این شیوه رفتاری و این نوع نظام اجتماعی را تغییر دهند. اما تغییر سریع آن نه امکان‌پذیر بود و نه مطلوب؛ زیرا تغییر سریع آن در صورت امکان، موجب فروپاشی نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه آن روزگار می‌شد؛ زیرا همه نظام اقتصادی، تجاری، معیشتی و معاشرتی آن روزگار بر این اساس آن شکل گرفته بود. تغییر چنین وضعیت نامطلوبی، که در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردمان آن روزگار رخنه کرده بود، کاری بزرگ اما زمان‌بر بود.

سبک زندگی همچون ملکات نفسانی است: اقناعی و خودجوش و بی تکلف انجام می گیرد، تحمیلی و اجباری نیست. به همین دلیل، در هرگونه تلاشی برای تغییر سبک‌های نامطلوب زندگی باید توجه داشت که هرگز نباید از قوه قهریه استفاده کرد و هرگز نباید تصور کرد که سبک‌های مطلوب زندگی را می‌توان به صرف قانون‌گذاری و ابلاغ آیین‌نامه و امثال آن محقق ساخت.

براساس تعریف و تلقی ما از سبک زندگی، نه می‌توان آن را امری کاملاً فردی دانست و نه امری کاملاً اجتماعی، بلکه هم ابعاد فردی و سلاقی و امیال و خواسته‌های فردی در آن لحاظ می‌شود و هم تأثیرات اجتماعی و محیطی و علایق جمعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کند. برخی افراد، همچون *آلفرد آدلر*، گمان کرده‌اند سبک زندگی امری کاملاً فردی است. به همین دلیل، معتقدند به تعداد انسان‌ها سبک‌های زندگی متفاوتی وجود دارد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲-۱۲۶)، این نظر درست نیست. ایشان تأثیرات محیط و جامعه را بر شکل‌دهی به علایق و امیال فردی نادیده گرفته‌اند.

سبک زندگی جنبه نمادین و نمایشی دارد. در سبک زندگی، محتوا از اولویت برخوردار نیست، سبک زندگی بیانگر، نماد و نمایشگر محتواست. سبک زندگی، نماد باورها و ارزش‌های پذیرفته‌شده فرد است. نماد ابعاد ناآشکار و پنهان هویت فردی، اجتماعی و دینی اوست. به همین دلیل، ما برای سبک زندگی به‌خودی‌خود اصالتی قائل نیستیم، بلکه آن را یک معیار، شاخصه و نماد برای هویت دینی و اعتقادی و ارزشی فرد و جامعه می‌دانیم. با مطالعه نوع معماری، پوشش، اوقات فراغت، شادی، روابط خانوادگی و اجتماعی، موسیقی، ارتباطات شهروندی، دکوراسیون خانه، و امثال آن، می‌توان نوع و کیفیت باورها و ارزش‌های افراد را به‌دست آورد. به تعبیر زیبای *علامه مجلسی در بحارالانوار*، «ظاهر عنوان و نمایشگر باطن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۶۵ و ج ۷۰، ص ۲۷۹).

تاریخچه جلسات و هیئت‌های مذهبی در ایران

هیات‌های مذهبی، سازمان‌هایی هستند که به گونه‌ای تقریباً همیشگی در معرض دید ساکنان حوزه‌ی تمدنی فرهنگی ایران قرار دارند، از ماورالنهر تا غرب قفقاز در شمال، از دریای بالتیک تا غرب شبه جزیره عربستان در غرب و از آنجا تا کشمیر در جنوب و از کشمیر تا ماورالنهر در مشرق، می‌تواند گستره‌ی جغرافیایی این حوزه را مشخص کند. با این حال روشن است که میزان تاثیر اجتماعی آن‌ها و چگالی فرهنگی‌شان در مرکز این حوزه، یعنی در شهرهای قدیم ایران امروزی به مراتب چشمگیرتر از مناطق پیرامونی است. هیات‌های مذهبی نهادهای سنتی‌اند که به دلیل ماهیت مذهبی و شکل خودجوش و مردمی‌شان توانایی جذب افراد بسیاری را دارند.

شکل‌های اولیه مجموعه هیات‌های مذهبی در ایران باستان، در مراسم دینی وجود داشته است. هدف و خواسته‌هایی که در مراسم مذهبی از طریق هیات‌های مذهبی دنبال می‌شده در شکل ابتدایی و اولیه‌اش در مراسم دینی و اساطیر باستان به چشم می‌خورد. هدف‌هایی که در این مراسم دنبال می‌شده و خود مراسم، در ایران بعد از اسلام دوام و قوام خود را تا حدود زیادی حفظ کرده‌اند هر چند که کیفیت نهادی‌شان هم با پیش از اسلام و هم با آنچه امروزه وجود دارد تفاوت‌هایی داشته است. ناگفته نماند مجموعه این نقش‌ها و تاثیرات، همراه با دیگر ارکان تمدن ایرانی در یورش بنیان بر انداز مغول تا مرز نابودی تاریخی پیش رفت و سپس با وحدت سیاسی دوباره‌ی اقوام ایرانی در زمان صفویه، جانی دگر بار گرفت و به راه خود ادامه داد.

اما ظاهراً برای اولین بار حکومت آل‌بویه با گرامیداشت مقام امام سوم شیعیان و سرگذشت شهادت ایشان به مراسم مزبور رسمیت داده و کار ویژه جدیدی (استقلال ایران از خلافت اسلامی) را بر مجموعه کار ویژه‌های پیشین آن افزوده است. با رفتن سلسله‌ی آل‌بویه، این سنت‌ها نیز رو به اضمحلال نهادند و باروی کارآمدن سلجوقیان به کلی پایان یافتند. اینکار ویژه جدید در دوره صفوی احیاء شده و همزمان با آن روابط درونی-بیرونی سوگوارانه نیز توسعه یافت. هر چند سوگواری برای امام حسین(ع) از مدت‌ها قبل کم و بیش به صورت پنهانی و نیمه پنهانی وجود داشت و در زمان سلاطین آل‌بویه نیز وسعت یافت و از دایره‌ی تنگ نوحه سرایی در خانه‌ها و مجالس خصوصی به بازارها و خیابان‌ها و مراسم سینه‌زنی و مانند آن مبدل گردید. اما هیچ‌گاه تا پیش از روی کار آمدن صفویه به صورت یک نهاد اجتماعی قدرتمند در نیامد، و سرانجام از اواسط دوره قاجار، بستر و چارچوب امروزی خود را به دست آورده است. از اواخر عهد ناصری هیات‌های مذهبی مستقل از دربار پدید می‌آیند و به سرعت روبه گسترش می‌گذارند.

در واقع هیات‌های مذهبی نهادهای شهرنشینانند و به خوبی می‌توان آنها را از دسته‌های عزادار که در ایام سوگواری در روستاها تشکیل می‌شوند متمایز نمود. این هیات‌ها با نهادهای دیگر شهری از جمله نظام روابط خانوادگی در ایران، بازار، روحانیت و اصناف ارتباط‌هایی مشخص دارند و به عنوان نوعی سازمان در نهاد فرهنگ به ایفای نقش می‌پردازند و به همین دلیل می‌توان هیات‌های مذهبی را در اواخر عهد ناصری به بعد نهادها و سازمان‌هایی مردمی قلمداد نمود. هیات‌های مذهبی، مذهب را از انحصار و سلطه تمام عیار دربار و حکومت خارج ساخته‌اند و نوعی نهاد فرهنگی به وجود آورده‌اند که در کنار دیگر نهادهای شهری از استقلال درونی برخوردار بوده و کارهای متفاوتی را بر عهده گرفته‌اند.

بنابراین، با تغییر سیاست حکومت‌های محلی، که در مناطق گوناگون ایران حکومت را به دست می‌گرفتند تغییرات و دگرگونی‌هایی از نظر قوت و ضعف، در مسأله اقامه‌ی عزاداری به امام حسین(ع) روی می‌داد اما روی کارآمدن صفویه و تشکیل یک دولت مرکز مقتدر و اهتمام و کوششی که در برگزاری عزای حسینی در داخل و خارج، در خانه‌ها، مساجد، تکیه‌ها معابد و بازار داشتند موجب شد تا عزاداری امام حسین(ع) به صورت یک نهاد اجتماعی درآید به این معنا که پس از اضمحلال سلسله‌ی صفویه نه تنها این سنت از بین نرفت بلکه روز به روز باروتر و تنومندتر شد و اگر در روز اول، کارکردی جز احیای عزاداری و سوگواری نداشت به مرور ایام کارکردهای دیگری از جمله کارکرد اجتماعی در سطح اجتماعی به آن اضافه شدند.

تعریف هیأت: هیأت یعنی تجمعی از مؤمنان که برای تعظیم شعائر الهی و احیای امر اهل بیت(ع) نام و یاد و سیره و روش اهل بیت در جامعه به تعلیم و تربیت دینی، اخلاقی خود به برگزاری متناوب جلسات مذهبی شامل قرائت قرآن، سخنرانی دینی و ذکر توسل اهل بیت عصمت و طهارت، محوریت عزاداری امام حسین(ع) اقدام می‌کنند.

هیأت نوعی شکل مذهبی بر محور عزاداری برای سیدالشهداء و ائمه علیهم السلام است. هیأت نشستی دیرپا و مردمی است و با توجه به علاقمندان به امام حسین(ع) تشکیل می‌یابد و در طول سال هم فعالیت می‌کند اما روز عاشورا، برای سینه زنی و عزاداری از حسینیه یا محله بیرون می‌آیند و به حرم‌ها و امامزاده‌ها و تکیه‌ها می‌روند. هر هیأت، نام خاص و پرچم و علامت ویژه دارد هیات‌های عزاداری گاهی متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا هستند.

کارکردهای هیأت مذهبی و مراسم دینی

یکی از راه های بهینه سازی دین داری تشکیل هیأت های مذهبی است به دلیل آن که این هیأت ها هسته های اولیه ی ترویج دین در سطح جامعه محسوب می شوند با گسترش این مراکز و همکاری گسترده میان آنان می توان بسیاری از جوانان را از طوفان بی دینی نجات بخشید. هیأت های مذهبی، نقش هویت پذیری را ایفا می کنند که حتی در طول تاریخ روابط بین الملل و در شکل دهی به ساختارهای آن تاثیرات بسزایی داشته اند (سلیمی، ۱۳۹۲، ص ۷). فرد با پیوند و وابستگی به این گروه ها، هم ارزش های آنان را می پذیرد، هم از آنها تبعیت می کند. گروه نیز می تواند بر نحوه ی عمل به ارزش ها از سوی افراد نظارت داشته باشد. ارتباط میان افراد و پیوندهای گرمی که از دل این گروه بر می خیزد، همبستگی گروهی و در نتیجه دلبستگی به ارزش ها را تقویت می کند. پیام های دینی و اخلاقی از جنس پیام های گرم و درونی است. شیوه و ابزار مناسب انتقال پیام از جنس پیام های سردی چون تلویزیون نیست، روابط میان واعظ و مخاطب که در مسجد بر قرار می شود، فراتر از یک رابطه ی ساده و صوری است که بتوان آن را در جایی دیگر ایجاد کرد. پس یکی از بهترین شیوه ها برای تربیت نسل جوان و جامع ترین روش برای تربیت در وجوه مختلف، هیأت های مذهبی هستند و شاید روشی برای تعلیم و تربیت دینی بهتر و کارآمدتر از هیأت مذهبی نباشد.

در این هیأت ها با گسترش آموزش دین توسط مبلغان بی توقع می توان گامی بلند برای محو پدیده ی دین - گریزی در جامعه برداشت و بسیاری از معضلات فرهنگی و فکری جامعه را به راحتی برطرف کرد و سبک زندگی اجتماعی افراد را تغییرداد و یا اصلاح کرد. چه جایی بهتر از هیأت ها می تواند نسل جوان را به سوی دین جذب نماید؟ هیأت تنها جایی است که در آن واحد، دو کار را انجام می دهد تقویت عوام و تقویت خواص. پیر، جوان، دانشگاهی و همه تحت تأثیر قرار می گیرند.

می توان گفت کار کرد هیأت های مذهبی باز تولید فرهنگ و هویت آنها و تحکیم همبستگی خاص این اجتماع ها می باشد که از طریق مراسم خاص همچون سینه زنی و زنجیرزنی حاصل می شود.

سنت عزاداری عاشورا زمینه پاسداری از اندیشه شیعه را در آینده فراهم خواهد ساخت و در سایه ی پوشش و عزاداری می توان مفهوم عترت و اهداف امام حسین (ع) را تشریح کرد.

هیأت ها به دلایل زیر می توانند از مهم ترین نهادهای مدنی تاثیرگذار بر سبک زندگی فردی و اجتماعی در ایران محسوب شوند:

عضویت کاملاً آزاد، فعالیت گسترده در مناسبت‌های مختلف، پرشمار بودن و گستردگی در مناطق کشور، تمایل زیاد مردم به این گروه‌ها، مردمی بودن هیات‌های مذهبی.

برخی از این گروه‌ها که براساس یک نوع وجه اشتراک مدنی (قومیت، محله، صنف و...) تأسیس می‌شوند، نمونه کامل و بی‌نظیری از انعکاس آزادی شهروندان جامعه در انتخاب عضویت در یک نهاد مدنی به شمار می‌روند. (عیسی‌زاده، محمد، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲)

درکنار این موارد، هم اکنون تشکلهای و هیئات مذهبی از برخی مشکلات و آسیب‌ها رنج می‌برند. این مشکلات موجبات ضعف و رکود در فعالیت‌ها را موجب گشته است. برخی از این مشکلات عبارتند از: عدم توجه به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، فقدان روحیه مشارکتی و کارجمعی، عدم اهتمام و توجه به ظرفیت جوانان و نوجوانان و زنان، جدی نبودن و عدم تأثیرجالب توجه شورای هیئات و سایر تشکلهای، نبود افراد عالم و متخصص در برخی از آنان، عدم بسترسازی و حمایت مفید ادارات و سازمان‌های ذیربط، موقتی و موسمی بودن فعالیت‌ها در بیشتر تشکلهای، کم‌توجهی به موضوعات روز علمی و ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌ای مانند رایانه و اینترنت، نبود خلاقیت و اصلاح ساختاری و بی‌توجهی به فرایندها و طرحهای نو و جدید و فعالیت‌ها سطحی و ظاهری و وجود برخی رقابت‌های کاذب.

امروزه یکی از خلاءها و آسیب‌های نهادهای سازمانهای دینی، کم‌توجهی به موضوعات علمی و دانش‌افزایی در بین اعضا می‌باشد که با وجود نهاد روحانیت و خیل عظیم جوانان تحصیلکرده، می‌توان به رفع مشکل و غنی‌سازی علمی و تجربی و نظری آنان اقدام نمود.

به طور خلاصه، هیات‌های مذهبی، کارکردها و نتایج بسیار مفید و درخشانی در توسعه و ترویج فرهنگ دینی و مذهبی و آگاهی بخشی اجتماعی و فرهنگی و سبک زندگی در سطح اجتماعی برعهده دارند. البته در طی سالهای اخیر برخی از این هیاتهای مذهبی نقش موثری را در عرصه‌های سیاسی و حکومتی ایفا نمودند که در جای خود قابل بررسی و واکاوی است.

با وجود ظرفیت و پتانسیل قابل توجه هیاتهای مذهبی مورد اشاره در سطور بالا (ازجمله فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و...) بویژه هیات‌های مذهبی، متأسفانه پژوهش و تحقیقی در این مورد انجام نگرفته است. جا دارد محققان و پژوهشگران با ورود به این مبحث بارهیافت و رویکردهای مختلف، ارزش و قابلیت واقعی و منحصر به فرد این هیاتهای مذهبی را به علاقمندان داخلی و خارجی ارائه نمایند.

ارتباط شرکت در مراسم دینی و هیاتهای مذهبی با سبک زندگی اجتماعی

مناسک به عنوان یک عمل دینی و فرهنگی، مبتنی بر مجموعه‌ای از نظام باورها و اعتقادات بوده که حامل فرهنگ دینی و نمادهای قدسی است و می‌تواند وضع فرهنگ و اجتماع را به خوبی بازنمایی کند. (فیاض، ابراهیم، بهار ۱۳۸۸ ص ۲) ادعای ما این است که سبک زندگی افراد و جوامع، افزون بر اینکه بیانگر هویت شخصی و اجتماعی و معرف شخصیت فرد یا جامعه‌ای خاص است (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰)، می‌توان آن را به عنوان شاخص و نشانه‌ای از هویت دینی و ارزشی فرد یا جامعه تلقی کرد. به همین دلیل، سبک زندگی افراد و جوامع را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌ها برای سنجش کیفیت ایمان، عمق باورها و ارزش‌هایشان مورد استفاده قرار داد؛ یعنی با مطالعه سبک زندگی می‌توان به عمق باورها و ارزش‌های افراد پی برد. ارتباط این دو حوزه تا جایی است که با ترویج نوع خاصی از سبک زندگی، می‌توان باورها و ارزش‌های مرتبط با آن را نیز انتقال داد؛ زیرا سبک زندگی در حقیقت ناقل پیام‌هایی درباره باورها و ارزش‌ها نیز می‌باشد. به طور خلاصه، ادعای ما این است که با تأمل در سبک زندگی افراد و جوامع می‌توان کیفیت، عمق و گستره نظام باورها و ارزش‌های آنها را به دست آورد، و سبک زندگی اجتماعی بر مراسم مذهبی و هیات‌ها تأثیر گذار می‌باشد، از این نوع تأثیرها می‌توان به مواردی اشاره کرد از جمله در مناطقی که هیات‌ها برپا می‌باشد هر هیات با توجه به سبک زندگی خاصی دارد برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کند و هر کدام ممکن است غذای متفاوتی را به عنوان غذای نذری بین عزاداران توزیع کند؛ با توجه به ذائقه مردم یا فراوانی آن و عوامل دیگر پس می‌توان سبک زندگی اجتماعی را نیز تأثیرگذار بر مراسم دینی و هیات‌ها دانست.

برای اثبات این مدعا می‌توان دلایل مختلف فلسفی، عقلی، انسان‌شناختی و عرفانی اقامه کرد. این مقال سعی دارد با تکیه بر آیات و روایات اسلامی، مدعای خود را اثبات نماید.

قرآن کریم رفتارهای ناشایسته را معلول باطن ناشایست و ناپاک دانسته و می‌فرماید: «سرزمین پاکیزه (و مستعد)، گیاهش به فرمان پرورگار می‌روید. اما سرزمین‌های ناپاک (و شوره‌زار)، جز گیاه اندک و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید. این گونه آیات (خود) را برای گروهی که شکرگزارند، شرح می‌دهیم» (اعراف: ۵۸).

درباره چرایی سستی برخی از یاران پیامبر اکرم (ص) در جنگ احد و نادیده گرفتن دستورات رسول خدا (ص) و رها کردن تنگه احد، که موجب ریخته شدن خون ده‌ها تن از بهترین یاران پیامبر اکرم (ص) و به شهادت رسیدن حمزه سیدالشهدا شد، در قرآن کریم چنین می‌خوانیم: «کسانی از شما که در روز روبه‌رو

شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد) فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت. ولی خداوند آنها را بخشید؛ زیرا خداوند، آمرزنده و دارای حلم است» (آل عمران: ۱۵۵).

از این کریمه به دست می آید که نادیده گرفتن دستورات رسول اکرم... و سستی در برابر مطامع دنیوی و وارد کردن چنان ضرباتی بر پیکره حکومت نوپای اسلامی، معلول برخی از لغزش‌های پیشین بوده است. معلوم می‌شود انحرافات رفتاری ممکن است تزلزل در ایمان (= عدم تبعیت از دستورات رسول خدا) را پدید آورد. کارهای اشتباه و انحرافی، اثر منفی خود را بر ایمان افراد بر جای می‌گذارد و موجب سستی ایمان و مقدم کردن خواسته و نظر خود بر دستور پیامبر خدا می‌شود.

قرآن کریم درباره کسانی که کارشان به نفاق ابدی کشیده شده می‌فرماید: «به دنبال اینکه با خدا خلف وعده کردند و دروغ می‌گفتند نفاقی را در دل‌هایشان پدید آورد تا روزی که او را ملاقات کنند» (توبه: ۷۷).

امیرمؤمنان(ع) در وصف ایمان می‌فرماید: «فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدْلُ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدْلُ عَلَى الْإِيمَانِ؛ ایمان را بر کرده‌های نیک دلیل توان ساخت و از کردار نیک ایمان را توان شناخت» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸ خ، ۱۵۶، ص ۱۵۵).

در این جمله، رابطه متقابل ایمان و عمل به زیبایی بیان شده است. آن حضرت می‌فرماید: چیزی که موجب انجام کارهای خوب و داشتن حیاتی ارزشمند می‌شود، ایمان است. ایمان، انسان را به انجام اعمال صالح و داشتن حیات طیبه راهنمایی می‌کند. اما از سوی دیگر، از راه انجام کارهای خوب نیز می‌توان سطح ایمان افراد را سنجید. رفتارهای شایسته عیار سنجش ایمان‌اند.

حضرت در خطبه‌ای دیگر رابطه ظاهر و باطن را چنین توضیح می‌دهد: «و بدان که هر ظاهری را باطنی است که بر مثال آن است. آنچه ظاهرش پاکیزه بود، باطن آن نیز آن چنان است، و آنچه ظاهرش پلید است، باطن آن نیز پلید است، ... و بدان! هر کرده‌ای چون میوه‌ای است که از گیاهی رسته است، و هیچ گیاه را از آب بی‌نیازی نیست، و آبها گونه‌گون بود. آنچه آبیاری‌اش نیکو، درختش نیکو و میوه اش شیرین است، و آنچه آبیاری‌اش پلید، درختش پلید و میوه اش تلخ است (همان، خ ۱۵۴، ص ۱۵۳).

امام صادق(ع) درباره رابطه ظاهر و باطن و سبک زندگی اجتماعی افراد و باورهای دینی‌شان می‌فرماید: «آلودگی ظاهر معلول آلودگی باطن است؛ کسی که درون خود را پاک کند، خداوند بیرون او را پاک می‌کند

و کسی که در نهان پروای خدا را داشته باشد، خداوند در آشکار او را رسوا نمی‌کند. اما کسی که در نهان به خدا خیانت کند، خدای متعال در آشکار او را رسوا و بی‌آبرو می‌کند» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۷).

بر این اساس، اگر دیدیم سبک زندگی افراد یا گروه‌هایی، علی‌رغم اعتقادات دینی و اظهار ایمان و دینداری، تناسبی با باورها و ارزش‌های آنان ندارد، این خود می‌تواند نشانه‌ی سطحی بودن یا جاهلانه بودن دین‌داری آنان باشد. چنین افرادی در بزنگاه‌ها، باطن خود را نشان می‌دهند. امام حسین(ع) در حدیثی همین حقیقت را به زیبایی بیان می‌کند. آن حضرت می‌فرماید: بسیاری از مردمان بندگان دنیابیند، دین همچون تکه‌ای گوشت در دهان آنان است. تا زمانی که به سود معیشت و دنیایشان باشد، آن را می‌چرخانند، اما در هنگامه‌ی آزمایش‌های سخت، دین‌داران واقعی اندکند؛ یعنی عیار ایمان افراد به‌هنگام امتحان‌ها آشکار می‌گردد: «به‌درستی که مردم بندگان دنیابیند و دین همچون تکه‌ای گوشت بر روی زبان‌شان است. تا زمانی که معیشت آنان اقتضا کند، آن را در دهان می‌چرخانند، اما زمانی که با بلاها آزمایش شوند، دین‌داران (واقعی) اندک‌اند» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵).

به‌عنوان مثال، کسی که علی‌رغم اعتقاد به خدا و معاد، در زندگی فردی خود مرتکب گناه و معصیت می‌شود و رفتارهای ناهنجار و جهت‌قلب رفتاری او شده است، در حقیقت نشان از سطحی بودن اعتقادات او می‌دهد و از لقلقه‌ی زبان بودن باورهای او گواهی می‌دهد. فردی به محضر امام حسین(ع) آمد و از عصیان و آلودگی خود به گناه گفت. مدعی بود هر جا پای گناه به میان آید، توان مقاومت ندارد. زندگی او یک زندگی گناه‌آلود شده است. شیوه‌ی زندگی او شیوه‌ای غیردینی است. از آن حضرت تقاضا کرد راه‌کاری برای رهایی از این وضعیت در اختیار او قرار دهد. امام حسین(ع) این شیوه‌ی رفتاری و سبک زندگی را محصول و معلول ضعف ایمان او دانست. به همین دلیل او را به مسئله‌ی توحید و معاد توجه داد و فرمود:

پنج چیز را انجام ده، هر گناهی که می‌خواهی مرتکب شو: نخست اینکه، رزق خدا را نخور و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده. دوم اینکه، از ملک خدا خارج شو، و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده. سوم اینکه، به جایی برو که خداوند تو را نبیند، و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده. چهارم اینکه، زمانی که سفیر مرگ برای گرفتن جان‌ت آمد، او را از خود دور کن و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده. پنجم اینکه، زمانی که مالک دوزخ تو را در آتش انداخت، داخل نشو و هر گناهی که می‌خواهی انجام ده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۲۶).

پاسخ به یک نظریه برخی مدعی‌اند مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که رفتارها و فعالیت‌های انسان‌ها لزوماً متأثر از باورها و ارزش‌های آنان نیست یعنی مراسم دینی و هیاتهای مذهبی در سبک زندگی اجتماعی افراد تأثیری ندارد.. فاصله معناداری میان این دو وجود دارد؛ زیرا اولاً، بسیاری اوقات اتفاق می‌افتد که فردی یا گروهی خلاف ارزش‌ها و نگرش‌های خود رفتار می‌کند. از این رو، علی‌رغم اینکه باورها و ارزش‌ها می‌توانند منشأ بروز سبک زندگی باشند، اما نمی‌توان رفتارها و عملکردها را بر اساس باورها و ارزش‌ها و نگرش‌ها تبیین کرد. ثانیاً، اگر سبک زندگی متأثر از ارزش‌های پذیرفته‌شده افراد و گروه‌ها بود، در این صورت می‌بایست ارزش‌ها و نگرش‌های مشابه به سبک زندگی یکسان منتهی شوند (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴). درحالی‌که چنین نیست. نتیجه اینکه، به دلیل عدم ارتباط وثیق میان باورها و سبک زندگی، نمی‌توان سبک زندگی را به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح دین‌داری و باورمندی افراد در نظر گرفت.

در مقابل، ما معتقدیم رابطه‌ای عمیق میان کیفیت باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی وجود دارد. سبک زندگی نشان‌دهنده میزان و کیفیت باورها و ارزش‌های ما است. بیانگر این است که آن باورها و ارزش‌ها تا چه میزان در جان ما رسوخ کرده‌اند؛ به هر میزانی که در جان ما نهادینه شده باشند، به همان میزان خود را در شیوه زندگی ما نشان می‌دهند. به همین دلیل، سبک زندگی می‌تواند به‌عنوان یک معیار برای آزمون کیفیت دین‌داری فرد و جامعه تلقی شود. اما ارزش‌ها و باورهای مشابه کسانی که در مراسمات دینی و هیات‌های مذهبی شرکت می‌کنند، به سبک زندگی اجتماعی یکسانی منتهی نمی‌شوند، به چند دلیل است:

اولاً، عمق و کیفیت باورهای افراد ممکن است متفاوت باشد؛ ایمان ذو مراتب بوده و درجات ایمان مؤمنان، مختلف است. هرچه درجه ایمان فرد بالاتر رود، انعکاس آن در رفتار وی نمود بیشتری دارد. امام صادق(ع) در حدیثی ایمان را ده درجه دانسته و می‌فرماید:

به‌درستی که ایمان دارای ده درجه است. ایمان همچون نردبانی است که پله پله از آن بالا می‌روند. بنابراین، کسی که دارای درجه بالاتر است. نباید بر کسی که در درجه پایین‌تر است خرده بگیرد و به او بگوید: تو ایمان نداری! کسی را که در درجه پایین‌تر از توست، حقیر مشمار؛ چراکه در آن صورت کسی که در درجه بالاتر از تو قرار دارد تو را حقیر می‌شمارد. اگر کسی را دیدی که درجه ایمانی او پایین‌تر از توست، بر تو لازم است که با مدارا او را بالا بکشی و بیش از حد توانش بر او تحمیل نکنی که موجب شکسته شدنش خواهد شد؛ زیرا اگر کسی مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۵).

این حدیث و ده‌ها حدیث مشابه و آیه دیگر که از تقویت و توسعه و ازدیاد ایمان سخن می‌گویند، همگی نشان‌دهنده تشکیکی بودن و ذومراتب بودن ایمان است. طبیعتاً هر درجه‌ای از ایمان، به همان نسبت اعمال و رفتارهای بیرونی فرد را سامان می‌دهد. نمی‌توان رفتارها و سبک زندگی مؤمن درجه ده را از مؤمن درجه سه انتظار داشت.

ثانیاً، اینکه گفته می‌شود سبک زندگی محصول باورها و ارزش‌هاست، به معنای نادیده گرفتن غرایز و سلاقی و ذائقه‌های گوناگون نیست. باورها و ارزش‌ها کلیات و اصول حاکم بر سبک زندگی را مشخص می‌کنند، اما در جزئیات آن دخالتی نمی‌کنند. اسلام هرگز به دنبال سرکوب غرایز و نابودی سلاقی و ذائقه‌های گوناگون یا یکسان کردن آنها نیست. اسلام به دنبال جهت‌دهی به آنهاست و می‌خواهد غرایز و سلاقی و ذائقه‌های گوناگون همگی به عنوان ابزارهایی در خدمت سعادت‌مندی و کمال انسان قرار گیرند.

ثالثاً، باورها و ارزش‌ها علت تامه شکل‌گیری سبک زندگی نیستند. امور دیگری در این مسئله دخالت می‌کنند. باورها و ارزش‌ها را می‌توان جزء العلة شکل‌گیری سبک زندگی دانست. به همین دلیل، گاهی مشاهده می‌شود دو نفر، با ارزش‌ها و باورهای یکسان، مثلاً در عرصه اوقات فراغت یا علاقه‌های پوششی و خوراکی، دارای دو نوع سبک زندگی متفاوت هستند. باورها و ارزش‌ها همچون ریشه و تنه درخت زندگی مؤمنانه هستند که اگر این ریشه و تنه نباشد، انتظار شاخ و برگ و میوه داشتن، انتظار نابجایی است. اما وجود ریشه و تنه درخت، ملازم با داشتن شاخ و برگ و میوه نیست. ممکن است علی‌رغم وجود ریشه قوی و تنه‌ای نیرومند، به دلیل بروز آفات بیرونی و عدم کنترل شرایط محیطی، از داشتن شاخ و برگ و در نتیجه، از دستیابی به میوه محروم شویم و یا ممکن است در اثر پیوندهایی که ایجاد کرده‌ایم، میوه‌هایی دیگر از آن درخت مشخص به دست آوریم. به عنوان نمونه، با پیوند زدن شاخه‌های آلو به درخت سیب، از درخت سیب آلو به دست آوریم! و این پیوندها ممکن است آن قدر زیاد باشند که درخت ایمان ما به درختی دیگر تبدیل شود. مسئله کفر و ارتداد در حقیقت همین است. فرایند تبدیل ایمان به کفر چنین فرایندی است. قرآن کریم چه زیبا این مسئله را بیان می‌کند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاؤُا السَّوْاِیِ اَنْ كَذَّبُوْا بِآیَاتِ اللّٰهِ وَ كَانُوْا بِهَا یَسْتَهْزِؤْنَ» (روم: ۱۰)؛ سپس سرنوشت کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به مسخره گرفتند.

رابعاً، همان‌طور که در بیان لوازم و الزامات تعریف موردنظر خود از سبک زندگی اشاره کردیم، مقتضیات زمانی و شرایط اقلیمی در چگونگی عینیت یافتن باورها و ارزش‌ها در زندگی نقش دارد. به عنوان مثال،

ارزش ساده‌زیستی و قناعت متناسب با زمان‌های مختلف می‌تواند تعیین‌های متفاوت داشته باشد و یا ارزش پوشش تحت تأثیر شرایط اقلیمی، می‌تواند نموده‌های گوناگونی داشته باشد. مناطق استوایی با مناطق سردسیری را نمی‌توان در این زمینه مقایسه کرد.

خامساً، باورها و ارزش‌ها غالباً به شکل با واسطه بر سبک زندگی اثر می‌گذارند؛ به این صورت که باورها و ارزش‌ها، در عینیت اجتماعی خود، نظامات اجتماعی را شکل می‌دهند و نظامات اجتماعی نیز تأثیر مستقیم بر سبک زندگی افراد بر جای می‌گذارند. بنابراین، در جایی که باورهای دینی عینیت اجتماعی نیافته باشند و در قالب نظامات اجتماعی نیامده باشند، در نهایت در سطح روابط و رفتارهای فردی می‌توان انتظار تأثیرگذاری بر سبک زندگی را داشت. به‌عنوان مثال، در سطح شهرسازی و اوقات فراغت و روابط سیاسی و امثال آن، چنین انتظاری معلول کم‌توجهی یا بی‌توجهی به نقش محیط و جامعه در بروز عینی باورها و ارزش‌هاست.

سؤال اصلی این نوشتار این بود که آیا مراسم دینی و هیأت‌های مذهبی در سبک زندگی اجتماعی ما نقشی ایفا می‌کنند؟ به تعبیر دیگر، آیا می‌توان انجام دادن مراسم دینی و شرکت در هیأت‌های مذهبی را به عنوان شاخصی برای سنجش سطح اجتماعی در نظر گرفت؟ این پرسش را به شیوه‌های مختلفی می‌توان پاسخ داد. با متد عقلی، روانشناسی، فلسفی یا متد تجربی و نقلی. از این میان، ما در این نوشتار متد روانشناسی و نقلی را انتخاب کرده و سعی کردیم با تحلیل متون دینی و بررسی و مشاهده افراد به این پرسش پاسخ دهیم، روشن است که نوع نگاه ما به سبک زندگی و تعریفی که از آن ارائه می‌دهیم، در چگونگی پاسخ به این پرسش نقش‌آفرین است. از این رو در گام نخست سعی شد تعریفی دقیق از سبک زندگی ارائه شود. سپس به نقش مراسم مذهبی و شرکت در هیأت‌های مذهبی در سطح زندگی اجتماعی پرداختیم. در تعریف موردنظر، باورها و ارزش‌ها (مراسم دینی) به عنوان بخشی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی معرفی شدند. هرچند تنها عامل تأثیرگذار بر سبک زندگی را باورها و ارزش‌های دینی نمی‌دانیم، و حتی تأثیرگذاری اینها بر سبک زندگی را در اغلب موارد از سنخ تأثیرگذاری مستقیم نمی‌دانیم. در عین حال، معتقدیم با تکیه بر آیات و روایات اسلامی می‌توان سبک زندگی را به عنوان شاخصی اولیه برای تعیین کیفیت و سطح ایمان افراد در نظر گرفت؛ به هر میزان که ایمان قوی یا ضعیف باشد، به همان میزان هم در شیوه زندگی افراد خود را نشان خواهد داد. ایمان قوی رفتارهای متناسب با خود را نیز در پی دارد. اما از ایمان‌های ظاهری و یا ایمان‌های تقلیدی و غیرعالمانه، نمی‌توان انتظار داشت که رفتارهایی متناسب با اقتضائات ایمان اصیل بروز دهند. ادیان توحیدی و آسمانی دارای سه اصل کلی مشترک می‌باشند: اعتقاد به خداییکانه، اعتقاد به زندگی ابدی برای هرفرد از انسان در عالم آخرت و دریافت پاداش و کیفر اعمالی که در این جهان انجام داده‌است، و اعتقاد به بعثت پیامبران از طرف خدای متعال برای هدایت بشر بسوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت. نقش‌آفرینی و بازیگری نهادهای دینی نقش مهمی در شکل‌دهی و تقویت قواعد، رفتارهای دینی خاصی برای افراد در مناسبات اجتماعی ترسیم نموده و رفتار مذهبی گروه‌های انسانی را در اجتماعات معین راهبری می‌کند. از جمله نهادهای مذهبی که می‌توان در کنار سایر نهادها مثل مسجد، روحانیت و تکایا به آن اشاره نمود کارکرد نهاد هیأت‌های مذهبی است که در طول تاریخ در شکل‌دهی به ساختارهای سبک زندگی جامعه اسلامی تأثیرات بسزایی داشته است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که کسانی که در مراسم دینی و هیأت‌های مذهبی شرکت می‌کنند در سبک زندگی فردی و اجتماعی آنها نیز تأثیرگذار بوده است و سبک- زندگی نیز بر مراسم مذهبی و هیأت‌ها نیز به نوعی مؤثر می‌باشد.

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۴. خدایاری فرد، محمد، و دیگران (۱۳۹۱)، مقایسه های دین داری (مبانی نظری و روش شناسی به انضمام پرسش نامه های دین داری)، تهران، آوای نور.
۵. دورکیم، امیل (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز - ایرانی مطالعه فرهنگ ها.
۶. سلیمی، حسین و ربانی خوراسگانی، ضحی (۱۳۹۲)، دیباچه ای بر نقش آفرینی و تاثیر گذاری دین در ساختار نظام بین الملل از منظر رویکرد سازه انگاری، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات سیاسی، سال پنجم، شماره بیستم، آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر
۷. شریفی، احمد حسین، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان (تابستان ۱۳۹۱)، فصل نامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۸. عیسی زاده، محمد (۱۳۸۸)، جامعه مدنی و حقوق اساسی، انتشارات علم و دانش
۹. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.
۱۰. فیاض، ابراهیم، گونه شناسی هیاتهای مذهبی زنانه در تهران، بهار ۱۳۸۸، نامه علوم اجتماعی تهران
۱۱. کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. گبینز، جان آر و بوریمر (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران، گام نو.

۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، چ چهارم، تهران، نی.

۱۵. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحديث.

۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۱۷. مصباح الشریعه (۱۴۰۰ق)، منسوب به امام صادق (ع)، بیروت، اعلمی.

۱۸. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).